

حرف اسکندر بختیفت رسید زیرا که مدت بیت سال سرداران جنگ کرده

د چند دهنه آسیا و مقدونیه را غارت کردند

پرویکا سس که از تمام بزرگترین باقوت تر بود خواست آنتیگن را بکشد این سردار

یونان رفته با آنتی پاتر و کراتر و پلیموس بصر رفته و برای عبور از نیل علی شاست

لکن در وقت عبور نیل شکست و دو هزار نفر کشته شدند سر بازان متغیر شده

در سال ۳۲۱ قبل از میلاد پرویکا سس کشته

آنتی پاتر نائب سلطنت تمام دولت مسخر شده اسکندر شد ولی عمرش در فانی نمانده

بعد از چند سال درگذشت (۳۱۹)

در وقت مرگ آنتی پاتر نیابت سلطنت را بدوست پیرش که موسوم به پیلین

پوشن بود و اکتفا داشت و تمام سرداران قبول کردند لکن بعد از مدتی

کاسا نند و پسر آنتی پاتر با سرداران متحد شده شروع بجنگ نمود

پیرش در تمام شهرهای یونان اعلان کرده که تمام ازین بجهت مستغص و در استخفاف

و کسل آزادند و حتی اشخاصی را که آنتی پاتر نفی بلد کرده بود با حق مراجعت داد

این اشخاص فیون سرداران را که صلح نوشته بود محکوم به خوردن

سوکران نمودند (۳۱۸)

چون فیون را بطلب برود شخصی آب و همین بصورت او انداخت سردار آنی گفت
ایا کسی پیدا میشود که این بی ادب را ملاست کند

چهار نفر از نقای فیون هم در مجلس بودند یکی از آنها چون صدای بیدین شوکران را
شنید تصریح زیادی نموده گفت ای چه کنایه ای کرده ایم که ما را با فیون میکشند سردار
آتی جواب داد ای مردن ما من برای تو تسلی نیت

شخصی از او پرسید وستی داری که بر پیرت بگویم جواب داد بل با دو گم که شنیده
آتی ما را بخت من اول نداشته باش

چون چهار نفر فیون شوکران را خوردند برای او چیزی باقی نماند زندان بان
باو گفت حالی دیگر برای تو صدمه نیست مگر آنکه دوازده در بسم من در بند
بسی از نقایش گفت هر قدر پول میخواهد باو بده زیرا که اینجا چنان کسی در
نیست مانند

کاملاً اندر سردار از آنشت دوه و سالخوی در سونی شی سردار داد بعد
از خطاب که موسوم به دیهتر یعنی دوازده کین فالر بود در آن حاکم کرد این
حاکم جدید هشتاد و سه سال از روی عمل و داد حکومت کرد
از من که غشی آنقدر بود با پردیکاسس متحد شده و او را پنجک با گرا تر حکومت

سرواران از رفتن آنگین خوش شده نگاه نمودند یعنی ساکوس
بطلیموس و لیریاک و کاساندر

جنگ مابین سرواران چهار سال طول کشید (۳۱۱ - ۳۱۵) جنگ اول
آنگین صلح نموده قتل سردار و کاساندر زن و پسر کوچک اسکندر را قتل و
دویم قبول نمود و دیگر وارثی برای تاج و تخت اسکندر باقی نماند
بعد آنگین خواست ماخلو مقدونیه را از سردارهای یونان خارج نماید کاساندر
قبول نمود و جنگ دوباره شروع شد

پسر آنگین که موسوم به دیمتریوس لقب پللی او سیف (فتح مالک)
بود این جنگ را نمود اول در جزیره قبرس شکست فاحشی سرواران داد
آنگین و دیمتریوس در سال ۳۰۶ قبل از میلاد لقب پادشاهی اختیار
کردند چهار سردار دیگر هم که بطلیموس و لیریاک و کاساندر و سلکوس بودند
آنها هم این لقب را اختیار کردند

بعد از مدتی دیمتریوس کاساندر را از یونان بیرون کرد این سردار بارها پیشیا
متحد شد لیریاک بسیاری ضعیف را محاصره کرد و بطلیموس شام را
ساکوس با ۴۸۰۰۰ نفر جنگی بجهت لیریاک حرکت کرد

آنتیگن دستریوس را با سیاخوت و قشون در جنگه ایلیسوس که در فریژی

واقعیت مقابل شدند قشون آنتیگن مرکب از ۷۰۰۰ پیاده و ۱۰۰۰۰ سوار

و ۷۵۰ فیل جنگی بود قشون سایر سرداران عبارت از ۴۰۰۰ پیاده و

۱۲۵۰۰ سواره و ۱۰۰۰ عرابه جنگی و ۴۸۵ فیل بود

آنتیگن که حال هشتاد ساله بود امید فتح در این جنگ نید و در وقت حمله

مقبول شد از طرف دیگر دستریوس هم شکت خورده فرار کرد (۳۵۱)

سرداران فاتح مملکت آنتیگن را با مابین خود تقسیم کردند لیریاک آسیای صغیر را

گرفت و سلکوس یونانی را بعد از مدتی با زمین این دو سردار نزاع شد

در این وقت دستریوس از مرگ کاساندر خبر یافت فی الفور خود را بمقدونیه

رسانده پادشاه آنجا شد بعد از مدتی با سلکوس جنگ نمود این سردار را

مگرفته در قصرش حبس کرده بعد از مدتی در آنجا مرد

پسر دستریوس که موسوم بآنتیگن بود پادشاه مقدونیه شد و اولاد او در آنجا

سلطنت کردند

لیریاک و برخاک با سلکوس یونانی در سال ۲۸۱ قبل از میلاد کشته شد و از

ان زمان بعد فقط سه دولت بزرگ ماند آسیا و مقدونیه و مصر

دول هلمنی

مصر — بطلموس پسر لاکس پادشاه مصر شد این پادشاه محبت زیادی بمصریان نمود یعنی نه تو این حکومتی و نه تو این بدبسی ایشانرا تیسیر داد اول لقب فرعونی اختیار کرد بعد معا بمصریان را بحد و ساخت گویند چاه تالان بر او
و فن گاو آپس که بمصر و مصریان بود فرج کرد
تو این پادشاه مرکب از یونانیان متحد و تیسیر با بود حکام و و کلای مجلس بود
و تمام جزای در بار از میر خور و شجاعت تا از تمام یونانی بود
سربازان چند ما خلود بعضی نواح ملک مخصوصا در سرحدات داشته و با
اسکندریه بود

بطلموس ایات را بده تیسیری نداده و مصریان از این جهت از روی خاوری خست
برای خزینه سلطنتی پول میفرستادند چنانکه در قلیل مدتی بطلموس خزینه بسیار
پیدا کرد و مصریان کم کم زبان یونانی و یونانیان زبان مصری را فرستادند
مصر همیشه بواسطه رود نیل حاصل خیز بوده پادشاهان یونان این ملک را
ابا که قدم شرق زمین مینامیدند

تجارت مصر در این عصر شرقی زیاد کرده بود زیرا که در تمام آسیا مخصوصاً

ایمپری و عربستان خود و شبر و حاج و ابوس برانجا سوار شدند
لازید نامی بطالسه — بطالسه مدت سه قرن در مصر حکومت کردند
و آثار اسلحه لازید نامی سفند زیرا که پدر عظیموس خاکه مذکور شد موسوم به
لاکس بود .

پادشاهان این سلسله بسیار معتقد و مشهور بودند
عظیموس اول مقب بپشرا اول پادشاه این سلسله بود مدت
بیت و سه سال سلطنت کرد (۲۱۳ — ۳۰۶)

عظیموس دوم مقب بپیلادلف در بیت چهار سالگی پادشاه
شد این پادشاه بجهت زیادای بطلال و فضلاء نمود و میل بخیال داشت چیزی بخرید
بخواندن نسخ خطی و تماشای حیوانات نادره میکرد تا بعد این پادشاه مدت سی
هفت سال سلطنت کرد (۲۴۶ — ۲۱۳)

زن اولش که دختر لیریاک بود خواست این پادشاه را بکشد اما عظیموس شفقت
اورانغی بد کرد بعد موافق قوانین فرار غم خوهرش را که موسوم باری می
بود تزویج کرد

عظیموس دوم بزرگترین پادشاه سلسله بطالسه شد چنانکه در شیخ خارزه پدرا

تمام سکنه اسکندریه را حاضر ساخت

گویند در جلوه جمیع عرآبه بجز یکی بود که در آن ظروف نقره و یک ظرف مسی
مکمل سجاور بود در اطراف ظروف یک شتر سجان و یک میز طویلی که طول آن
شش مضر و بیست چهار سانتی متر بود و در آنجا دو در آن طرف این میز
چهار پایه بود که طول آنها سه مضر و در آن دو سانتی متر بود و روی میز و چهار پایه
هشتاد و نه پایه طلائی قرار داده بودند

در عقب عرآبه دیگری بود مملو از ظروف طلا و چهار سه پایه بعد از عرآبه هر
یک که پانصد نفر با ظروف طلا و پانصد نفر دیگر با ظروف نقره بودند را
برفتند در عقب طاق عرآبه دیگری بود که روی آن نسیره از طلا و
چهل و شش مضر و ششاد سانتی متر و نسیره از نقره با ارتفاع سی و یک مضر و
سانتی متر قرار داده بودند در اطراف نسیره نواج طلائی یاد و شصت پارچه
بود در عقب بیست عرآبه مملو از طلا و چهار صد عرآبه از نقره و شصت
عرآبه پر از ادویه جات بود

در او خورشید طلسم و ارای ۲۰۰۰۰۰ پایه و ۴۰۰۰۰ سواره
۲۰۰۰۰ عرآبه ۳۰۰۰۰ نیل خنکی و ۱۵۰۰۰ کشتی جنگی و ۲۰۰۰۰ کشتی تجاری

۱۰۰۰ کشتی توک خلا بود

ایات نقدی مصر سالی ۱۴۸۰۰۰ تالان و ایات عسلی ۵۰۰۰۰۰ کیل
عده بود

در خزانه مصر مبلغ ۷۴۰۰۰۰ تالان موجود بود

لطیلموس سیم عقبه اوردت بعد بزرگی شبیه بمعا بد قدیم مصر
د فوجا تیرا که کرده بود در چهار این حجاری کرد مدت سلطت این پادشاهت

پنجال بود (۲۲۱ — ۲۲۶)

چون چوب برای ساختن کشتی در مصر نبود از انجبت پادشاه مصر خواست جزیره
قبرس را متصرف شود از انجبت با سلوکید ما جنگ کرده و شام و قبرس را
کنگلک شهرهای رُود و پترانس و میوردیان فلسطین سخر کرد بعد شهری سوم
به پترانس (سن ژان دارک) در شام بنا کرده

بطالسه همیشه پول و قشون کنگلک آزادی بن یونان فرستاده و انبارا تحریک
بجنگ با مقدونیه نمودند و هیچ بهره مند نشدند

اسکندریه — اسکندریه در زبان سلطنت بطالسه بزرگترین و شگفتنازین
شهرهای دنیا بود خیابانهای این شهر عرض و منظم و تمام بیک خیابان مرکزی

که عرض آن بی مطرد طول آن شش کیله مطرد و منتهی می شد.

بند این شهر کعب از سدای بود که طول آن ۱۳۰۰۰ مطرد منتهی بجزیره فارسین
در انتهای جزیره برجی ساخته بودند که بالای آن همیشه آتش روشن بوده و هنگام
شب بواسطه آن بخوبی در دریا حرکت میکردند.

بطلایه میدانهای بزرگ برای اسب دوانی و چند در خانه برای ورزش و
تیارهای متعدد و موزه های بزرگ در آنجا ساخته بودند.

مشهورترین این اسبیه موزه سلطنتی بود و آن موقوفه از فرم بود که بعمارت سلطنتی
وصل میداد این بنا از این جهت موزه میگویند که برای موزه (رت انواع طرز
و علوم) وقف شده بود.

پادشاهان مصر هر چیزی که برای علماء لازم بود برای آنجا فرستاده کرده بود
در کتابخانه اسکندریه تقریباً ۴۰۰۰۰۰ جلد نسخ خطی بود که پادشاه تمام
کتابها را که بمصر میآوردند از روی آن نسخه بر میداشت چنانکه تمام نظم و اثر
مؤلفین ناسک را که متفرق و تلف شده بودند در آنجا جمع نمودند.

در نزد یک موزه باغی بود که تمام نباتات را در آنجا جمع کرده و در کنار آن
باغ وحشی ساخته بودند در نزدیکی باغ وحش صد خانه و مکانی برای تشریح

انسان حیوان ساخته بودند

مترن علماء و حکما تقریباً همیشه در موزه بود و پادشاهان هم غالباً بدانجا آمده
با ایشان حد صرف می نمودند

این موزه تقریباً مثل مدرسه بزرگی بود زیرا که همیشه در آنجا ۱۴۰۰ شاگرد تحصیل
کنند. در مملکت مخصوصاً ایران یونان شام و خنسی باین شهر آمده بعضی بر آن
مدرسه برخی فقط برای تماشای موزه

علم رسیده گمانی در باب صرف و نحو و جغرافیا و نجوم و فلسوفی نوشته
دولت سلوکیدها — سلوکوس فقط پادشاه بابل بود

لکن کم کم تمام آسمانی قدیم را به صرفت در آورد
سلوکوس سبزه را منقرض کرده تا در گانزارت و بی نوشت آنجا را نگاه
نماید باین سبب ترک آنجا کرده فقط تجارت با آنها نمود

سلوکوس یکی از فنیهای آنکه موسوم به میگاستن بود فرزند چاندرا
گوپتا (پادشاه هند) فرستاد این فنی تاریخ هندش را با قدری از
تاریخ هند نوشت (یونانیان این پادشاه را ساندرا گمش میگویند
سلوکوس شهری در کنار جلد ساخته آنرا سلسی نام گذاشت بعد

بعد از پایتخت سلطنت قرار داد

سلوکوس چون نیز نیارک، گشت صاحب تمام مملکت ایگد بجزیر، مصر و
شبه بعد خواست مقدونیه را مستخر کند مکن باطل گریه با شش را گرفت و در
از بخت گشته

دولت سلوکید ما بزرگ بود مکن مملکت و ارتباط دادن آنها بسیار مشکل

و بسی شوار بود

سلوکوس طرز حکومت ایران بیان میسر برآمد و آن حکومت این مملکت را به ساتراپ
دادند است آنوقت ایران به فساد و جهل و غمناک گشته و گشت شده بود

سلوکوس مملکت سلطنت سواد علی غریب و جلد را به پیش از این مملکت و در
غالب مملکت این نواحی یونانی بودند چون سال ۲۸۲ پیش از میلاد و در
پادشاه شه سوری در کناره رود آرگنت بنا نموده آنرا آیدو شش

نام گذاشت بعد از پایتخت قرار داد

سد مین این سلسله است و در قرن پنجم حکومت کردند و در او هر سلطنت سلوکید
ممالک شرقی و جمله آراها مجری شد بعد مملکت آسیای صغیر را متصرف کردند و در
وقت مملکت آنها مکتب از شام و بین النهرین بود در این نواحی فنیسی و یونانی

رعایا را بشورش تحریک می نمودند

پادشاهان این سلسله شرابی زیاد درین انحصارین شام خسته و غالباً ^{سرد} با هم زمان خود نام نهادند از قبیل لاندیس و ایامم
مگر این شهرایونانی و اسپانی بودند کم کم یونانیان عادت مشرق زمین را
آختیدار کردند چنانکه در جنگ شیرینی و شراب و مطرب همراه میروند
در باب صنعت پادشاهان این سلسله اطلاع صحیحی در دست نیست مگر منجمله
می دانیم که ثروت زیاد داشته و با آن قشون تربیت می دادند
حکومت با مجلس شورای بوده و هر شهری حکومت علیحده داشت
سلوکیدانان قطع جنگ می کردند با مصریان و با اسکندریه حکومت
اینیوکوس اول عقب به ^{سلطنتش} نستر (نجات دهنده) در دست
با بطیموس دوم در گلو و اما جنگ داشت این پادشاه میجد سال فرمان

نمود (۲۶۲ - ۲۸۵)

اینیوکوس دوم عقب نفس (خدا) بود این پادشاه به تن
و حیاتی مشغول بود و سلطنت را به خداست گذاشته بود

یکی از شیخ‌نحس می‌این پادشاه خودش را بر کلس لقب داده و در اعیان
پوست شیری پوشیده گمان‌گیزی بجز بپوشانان قدیم در دست می‌گرفت

انیتوکوس دوم چهارده سال سلطنت کرد (۲۴۲ - ۲۶۱)

انیتوکوس سوم عقب‌گیر بود از تمام پادشاهان این سلسله قسطنطنیه
بود و مدتی با رومیان جنگ کرد و می‌شش سال سلطنت نمود -

(۱۸۸ - ۲۰۳)

دولت باکتریان (ششم) - مدخلت سلوکیه آثار و یادگار
در میان آنرا بود ایرانیان و مدنا و سکنه با خرم‌کم از تحت تسلط آنها خارج
سنگین گشته

در سلطنت انیتوکوس دوم عالم با خرم لقب پادشاهی خستیار گردان عالم یونانی و
موسوم به دیودتس بود و با ختم دولت با خرم که هر دو موسوم به بلخ است
تشکیل یافت و تا ۱۲۰ سال قبل از میلاد طول کشید زبان سسی آنها یونانی بود
مصلح صحیحی در باب این دولت نداریم فقط چه شک که روی آنها
پادشاهان نقش شده در دست است

دولت پارت تا - بعد از شورش با خرم یعنی در سال ۲۵۰

یکی از سیت (اسکنه شمالی آسیا) موسوم به اشک از کرستان آمده است

پارث را که در مشرق بجزر دقت به صرف آورد

این شخص شهر هرکامت پیل را (صدور دازه) در پارث بنا کرده آن را

پای تخت قرار داد

ایرانیان و بدو حتی آشورین را و بابل را بدینجا آمده متوطن گشته است وقت

پادشاه پارث شهر طیسفون را نزدیک بابل ساخته آنرا پایتخت قرار داد

پارث بسیار جنگجو و در سیر اندازی و جنگ گریز زیادت بودند

فول کوچک آسیای صغیر — در مشرق شمال بحر اسود

شاهزادای کوچکی حکومت میکردند که تمام مطیع پادشاه ایران بودند

اسکنه بهم با آنها جنگ نکرد

در جنگ سلوکید با باطله این شاهزادگان لقب پادشاهی اختیار کرده چند

دولت تشکیل دادند این دولت تا دو قرن طول کشیدند و عاقبت در میان

آنها را منقرض کردند

یکی از ساراپای ایرانی موسوم به اوندیس پادشاه ارمنستان بود و او

خود از رفتن ایرانیان به پیش پیداست

دولت پن در ساحل شرقی بحر اسود و آقبود و حکومتش با حایفه میسریدان
بود که خود را از نسل آرتا باز ساراب میدانستند

بعد از جنگ ایپسون میریدان سیم پادشاه شد و پادشاهان این دولت
بایونانیان و دست بودند و کم کم دولتشان را یونانی کردند

در او حنسر سلطنت سلکوس اول (۲۸۱) دولت بی قلیبی که در مغرب
دولت پن واقع بود تشکیل یافت

وزیر دیکلی بحر اسود مملکت یگری بود موسوم گالناد نس در سال ۳۰۱
قبل از میلاد یکی از شاهزادگان آنجا موسوم آدیارات دوم پادشاه
دولت گالانی — بعد از مرگ سلکوس علی وحشی و جنگجویان
طرف جنوب حمله آورده مقدونیه و ترس را محاصره کردند و از این
مثل غلوه و آنا بود و آثار اگال و محلات مسینامیدند

کالاهای بسیار شجاع و زبردست بودند و بعد از آنکه مقدونیه را منقر کردند آنجا
غارت نموده صد مرتبه زیادی بکته آنجا وارد آوردند

بعد از تسخیر مقدونیه کالاهای آنجا از بحر اقیانوس گذشته تسالی را غارت کردند و گویند
قوتن اینطا حایفه مرکب از ۱۵۰۰۰ پیاده و ۲۰۰۰۰ سواره بود

بعد از تسخیر تالی گالاتیا طرف ترپس حرکت کردند لکن چون یک ساخلو یونانی
در آنجا بود آنها جرئت جلورفتن ننموده و از راهی که ایرانیان سابقا آمده بودند
خواستند به دلف رفته آنجا را عارت نمایند لکن سکنه این نواحی آنها را سخت
کوبید یونانیان به دلف رفته برای فاع اینطایفه وحی طلب کردند و
رسیدند خدایان آنها را سخت خوانند داد و چون گالاتیا به دلف رسیدند
طوفانی سخت وزین لرزه شدید یکدفعه آشکار شده غالب آنها را اهلاك کرد
گالاتیا بعد از این سخت به آسیای صغیر آمده شمال غربی آنجا را
تصاحب کردند بعد از آنکه کوس آنها را سخت سختی داده بگذشت
و بجز از آنجا حرکت کنند

کوبید در جنگ گالاتیا با آنتیوکوس سپاهی آنها از دیدن فیل وحشت نمود
فرار کردند آنوقت قسطن آنتیوکوس ایشان را تعاقب کرده قتل و غارت
زیادی نمودند

بعد از جنگ سربازان مقدونیه سرود فحش خوانند آنتیوکوس بانها گفت
آسوده باشید و اظهار شجاعت نماید فیلان جنگی آنها را سخت دارند شما
آنوقت آنتیوکوس محبمه فیل در میدان جنگ قرار داد

کالاتا در شمال غربی آسیای صغیر مسکن نمود و دولت کالاتا را تشکیل دادند
بعد از تجاوز کاملی با یونانیان پیید کردند

دولت پرگام — در مغرب آسیای صغیر شهری با حصار و برج و بارو
محصنی ساخته شده بود که آنرا پرگام میگویند خزینه سلطنتی در این ناحیه بود
خزینه را سلطنتی چون ملک را در برج و برج دید خود را پادشاه نموده
تشکیل داد و باین قسم در سال (۲۶۱) قبل از میلاد دولت پرگام درست شد
امال پادشاه این ناحیه کالاتا را بخت داد و بیاد کار این فتح مهران با
بجمله کالاتا در پایتختش ساختند

پادشاهان این ناحیه چون جنگجو بودند از این جهت همیشه یونان و روم اتحاد
آمال کتابخانه بزرگی در پرگام درست کردند و تمام نظم و شعرهای یونان
در آنجا جمع نمود چون کاغذ نیر از پاپوس مصریان نبود از این جهت
پوست گوسفند و سایر حیوانات زود شدند باقیتم کاغذ پرگام که فرانسویان آنرا
پاز شمن (کاغذ پوستی) میگویند ساخته اند

علوم صنایع از اول قرن چهارم
حکما — از قرن چهارم بعد از میلاد در یونان بود فقط در آن عصر

خطبار و حکما، بزرگ بودند

این حکما، افکار و اعمال نالیس میل و فیثاغورث و هرودی میگردند تمام
اینها سکه سغرات یونان بودند مثل آناکریمن و هر اکتیت و
اناکرا اگر که از سکنه یونانی بودند و درین ایتالیائی و آمدند کت
سیلی و دکریت و پرتاگر اسس که از سکنه آبد (تاش)
بودند هرگز حکما در قرن چهارم در آن بود و تمام تفسیرها از

مردان سقراط بودند

در یونان فقط دو حکیم بزرگ تولد شده بود یکی افلاطون و دیگری ارسطو
افلاطون ۲۰ سالگی شاگرد سقراط شد چون سقراط درگذشت او هم از وی
جدا گشت بمصر و ایتالیا و سیل سفر کرد بعد از سفر به آتن مراجعت کرده نزد
حکلی آکاداموس که خالبا جوان آتنی بد انجامی آمدند مسکن کرد و در ۱۲ سالگی
درگذشت (۳۴۷)

ارسطو در استارثیر که در مقدونیه واقع بود تولد شد و پسر حکیم پادشاه بود
در طفولیت به آتن آمد و شاگرد افلاطون شد بعد فیلیپ (پادشاه مقدونیه)
اورا معجزه شد و بکنند نمود

چون دین ایحکیم در جنگ حراب و غارت مده بود در شوالیه دست
 خواہش کرد کہ دوبارہ آنجا را بنا نماید فلیپ ہم قبول کرد
 ارسطو سن ۹۶ بعد از آن آمدہ در زورخانہ لیث فیلسوفی تعلیم نمود در وقت



تدریس راہ سیرت و حرف میزد از اہمیت سبک تدریس اورا سرما
 رقیسی کین (قدم زنده) میگفتند این حکیم نہ فقط فیلسوفی تعلیم کرد
 بلکه علوم طبیعی ہم تدریس می نمود
 اسکندر چون بسیار اسخر کرد حیوانات مآوردہ برای تحصیل نزد سقراط
 و مبلغ ۸۰۰ تالان خرج کرد در علوم نام علوم آن عصر را نوشت و بعد از آن

خلاصه جنبان زیاد از قرن اول تا سیم زجهت برزندگی در تارال یکی
 وزند که دو ستون بزرگ پار تقارح سی و پنج مظر در اینجا ججاری کووندون
 از مجسمه خورشید بود یکی در چوک کام سنه ۱۸۰۰ که در آن شکست کالاشاه و مجسمه رب
 و این رب انواع را ججاری کرده بودند
 ججاریان یونانی مدتی هم بعد از شکست یونان از روم کار کردند

فصل سیت و پنجم

آخرین حکمهای داخلی یونان

وضع یونان بعد از اسکندر — بعد از اسکندر مل سپار
 و این وقت جد و جدیادی برای استقلال و خلاصی از تحت تسلط مقدونیه
 نمودن لکن همه مندند زیرا که تمام یونان منقسم بقطعات بسیار کوچک شده بود
 در تمام شهرهای یونان ملت پر قسمت گشته هر که ام باخته و نزاع در باب
 حکومت میکردند بعضی مایل بحکومت منحصرا در برخی مایل بحکومت عامه بودند
 نزاع مابین این دو دسته از اول جنگ پنجاه و سه شروع شد هر گاه دسته غالب
 میشد دسته مغلوب را تنفیذ میکرد بطوریکه در سال ۳۲۴ قبل از میلاد چ

شده‌های یونان مرکزی و ایدوآرگادی که در پیشرفتند بود

اتحاد آسانی — در مقابل اقلین دولت آسانی بود که به ۱۲
بلوک تقسیم شده بود و در آنجا در سال ۱۹۰۰ چهار شهر آسانی برای جنگ با متحد
متحد شدند آنوقت چند شهر دیگر هم در اتحاد اخل شده اتحاد آسانی را تشکیل دادند
مجلس آشنی افسطه برای تسهیل و اصلاح و جنگ و بیات و قشون کار میسکو
و سالی دو مرتبه منفعت میدی در بهار و یکی در پاییز

این مجلس یک شهر اثر و یک پیکارک و یک فشی و یک میرا بجز ناموارکن
انتخاب میسکو و کارهای دیگر با مجلس در مورد زرها انجام میگرفت
هر شهر حکومت مخصوصی داشت لیکن مسکوکات و اوزان تمام شبیه
همدیگر بودند

اراتوس — شهریون که مجاور آسانی بود پادشاه ظالمی داشت
که کلیسیناس قاضی را کشته بود بعد خواست اراتوس را هم که هفت ساله
پسر او بود بجاگ نماید خود پادشاه این بچه را به اراتوس برده در آنجا او را
تربیت کرد

اراتوس به یونان قلمی شد چنانکه در بازی مانناال سبقت حبت بعد خواست

دشمن را از دست پادشاه ظالم خلاص نماید از این جهت چند نفر را مسلح نموده شبی آنها را
به چهار شهر رسانید یک نفر از مجوس سیمونی که فراد کرده بود از اتوس بهرستان
کرد ولی در راه باغی بود که گمان زیادی در آنجا ممکن داشتند چون همراهان
از اتوس از رویان بالا رفته گمان چند ای آنها را شنیده پارس نمودند شبی که
شهریان سمیت آمدند از اتوس با همراهانش روی زمین خوابید بطوری که
تیز دادان آنها بسیار مشکل بود

چون شب گردان فرستاد قشون از رویار بالا آمدند یک بزگی آنها را دید و در آنجا
پارس کرد و یکی از شبگردان به صاحب سنگ گفت چرا این حیوان صدای میکند
صاحب سنگ جواب داد بواسطه شغل و رنگ شما این حیوان وحشت کرده
در این وقت خروس نامی خواندند و دما تیان بیدار شده بودند که از اتوس با
همراهانش وارد شهر شدند اول بعمارت سلطنتی رفته تمام مستغنیین پادشاه را
جس کردند چون بوار دشمن شد هیچکس از واقعه خبر نداشت یکی از همراهان اتوس
در شهر فریاد کرد که از اتوس پسر گلینیا س غلت سیمون را از جور حکمران بخلک
خلاص کرد

غلت خوشحال شده قصر پادشاه را آتش زدند ولی خود پادشاه بوجه نصیحتی که

بقصرش ساخته بودند کرد

آرتوس مانند نضیرا که پادشاه نغی بلد و ملک ایشان را غصب کرده بود
بشد داخل نموده املاک آنها را بدیشان پس داد برای تعمیر شهر آرتوس

رشد از بطیموس ۵۰ تالان قرض کرد (۲۵۱)

چون آرتوس از نگاهداری سیون دشت و دشت داخل در اتحاد آسانی
و در سال ۶۴۵ قبل از میلاد سرور کل آشنی باشد و میگویند بنفد و

او سرور کردند

آرتوس در جنگ بسیار حیل و خدعه بکار میبرد مثلاً نفذ کوشش کرد که
و چند شهر دیگر را در اتحاد داخل کرد بعد پادشاه سهر را سرور بری و بحر می

او را بجنگ با متحد و نیه تحریم کرد

آرتوس نیز است که شهر گس را داخل در اتحاد کند لکن پادشاه آنجا بسوا
به ادنیستپ در قصر بی پنه و بی در می منزل داشت که در آنجا بازنش می

بعد از شام نزد بانای گذاشته بواسطه در نیمه داخل قصر شد بعد نزد بان را

بالای کشید

آرتوس این پادشاه را کشت بعد ۵۰ تالان بجانین داداده قرار داد که او را

تسلی نماید. باین ترتیب اگر کسی هم داخل نگاهداشت
چون اسپهبد است دشمن آشنائی بود از اینجست پیش با او رقابت کرده اخلال آنگو

فصل پنجم در خصوص امور
در رئیس و کلمین بادشاه اسپهبدت اسپهبدت
ضمیمت ضمیر بود و فقط در سال بزرگان اسپهبدت نامه بود آنها هم در لاکمی
بودند هر کدام حکومت مخصوصی بنمودند این بزرگان طاعت حکومت مرکزی
نیکردند سایر سکنه پارت از تربت حکومت بسیار ناراضی بودند و
غالب آنها جلای وطن کرده بودند

در سال (۲۴۴) جوانی بیت ساله موسوم آرتیس پادشاه اسپهبدت
شده کوشش زیادی برای رواج دادن قانون لیکورک نمود بعد ششصد سال
که ما در وجوده اش داشتند برای وطنش خرج کرد
لشید اس اسپهبدت برضد او کار میکرد تا اینکه در وقتی که آرتیس در پارت
نمود لشید اس پادشاه شد چون آرتیس برگشت او را گرفته با ما در وجوده اش
کردند لکن آرتیس را بواسطه شورشش نگاهداشتند و کلین پر لشید اس را که جوان
از او بود شوهر او نمودند

کلمن صحت زیادی برنش پیدا نمود و چون پادشاه شہ روش ارپین را
بدست گرفته اول قوئی زرتیب داد و با شهن اچک کرد و آشار کت
در جهت باسپارت نصین رکشت و ۱۰ نفر از بجای اسپارت انفی
بلد کرد و اوقت خودش پادشاه متقل اسپارت شد

کلمن تمام اموال سپا بیهارا با مال خودش جمع کرده و از میان قوین
فست کرد و قانون لیکورک را جبرادشت

چون در اشیا و آشیانی هزاره و خانی و خدمت مذاشتند از پادشاه پارت
کک خواستند کلمن در سال (۲۲۴) شهن ارکشت داد و قرارداد کرد
آنها متحد شود اگر اورا سرور نمایند

کلمن خواست کرنت را صاحب شود آرا تو سن پادشاه تقدیر چند کرد
بود متحد شد این پادشاه سبول کرد و شهن کزنت را با و بر بند آشنی را قبول
کرده اورا سرور نمودند

اعین و آشنی او با شها با مقدونیه متحد شده جنگ سختی با اسپارت کرد
(۲۲۳) کلمن دو سال معاومت کرده بعد از لاکنی آمد و خواست تا ۲۰۰

قوینش عبر سلاری را که با اسپارت وصلت از ۳۰۰۰۰ قوین و شهن

گیری نماید کلکمن بعد از جنگ سخی تبهر مرتبت کرد و چند دقیقه بستونی نمیکه کرد بعد
با چند سوار کشتی نشسته بمهر رفت و از پادشاه آتنجا ملک خوات
ولی پادشاه مصر در اکت

و حالت رومیان در یونان — پادشاه مقدونیه تقریباً
مالک تمام یونان بود ولی در این وقت از رومیان وحشت داشت زیرا که آتنها
جزیره سیسیل و تمام ایتالیا و ایلیری را تسخیر کرده بودند فیلیپ در این وقت با کلکمن
جنگ داشت چون از فتح آتنی با مال سردار کارتاژها خبر شد در سال ۲۱۵ با آتنین
صلح کرده و در سال ۲۱۵ با آتنی یال متحد شد

رومیان شهرهای یونان را تهدید میکردند مثلاً آتنی را با ایدوسنی و اسپارتا
با آتنی (۲۱۲) خلاصه در تمام یونان جنگ شروع شد

رومیان بعد از شکست دادن کارتاژها قشون بزرگی در سال (۲۰۰) یونان
فرستاده فیلیپ شکست دادند بعد سردار داوند که دیگر کشتی و قشون یونان
در ساحل ایتالیا نباشد (۱۹۶)

یکلی از سرداران روم موسوم به فلاچی یعنی نونس در بارزهایم گرفت
داخل شده در مقابل تماشایان گفت مجلس شورای روم مالیات را به یونان

اروپا و آسیا خواهد بخشید

تماماً چنان خوشحال شده گل و تاج زیادی بسروار رومی جا بزند و او در چند
مجلسه برای او ساختند جشن داد خوشحالی ۱۲۰۰ نفر از مجوسین رومی را

حاضر کرده بسروار رومی بخشیدند

یونانیان بعد از مدتی باز بر ضد رومیان حرکت کردند زیرا که حاکم ظالم اسپانیا
که در آثانی حکومت داشت عزل نموده بودند و همچنین آکارمانی و تسالی را
متحد به ائلی نموده بودند

ایقین بابا آغیتو کوسس پادشاه شام متحد شده باروم جنگ کردند ولی آنها
شکست خوردند آنوقت مجلس روم قرار داد که برای خسارت جنگ باید تمام

اسلحه و اسبهایشان را با هزار تالان بدهید و همچنین باید دولت روم متحد شود
فیلپین — در این عصر مشهورترین سکنه یونان فیلپین بود که او را یونانی آخری

لقب داده بودند این شخص در میکا پلینس تولد شده و از طفولیت میل شجاک بود

اسب سواری می تراندازی را هم سیکو آموخت و میل بودر نشانداشت فقط
درنش او شکار کردن زمین شخم کردن در وی کاه خوابیدن روزنامه خواندن بود

چون سردار شد یکی از بزرگان مکارا و رادحوت کرد چون سردار را

رفت شخص بود زش در وقت کارخانه را می نمود و در یاد حسته شده بود
فیلمین را یکی از خدمت تصور کرد زیرا که به سستی بسیار خوش بود و در این قیامه زشتی
بودن بدو گفت قدری در شکستن چوب برگه های سر بار قبول نمود در آن
مازگان رسیده کف ای قای من کار شما خوب شکستن زیت فیلمین جواب
داد این تصویر باس و قیامه است

فیلمین میل زیادی به توریج و سرود جنگی داشت و مدتی در ستاری بعضی
در قون مقدونیه خدمت کرد و بعد به آستانه امده سردار شد
بعد از مرگ آراتوس (۲۱۳) فیلمین قسطنطنیه را بطرز سر باران مقصد
باس و اسلحه داده آنجا را منظم کرد

نوپا این نیکو رنگ در حبس در سبابت طول کشید زیرا که باز سلطان جانی را
بخاشد این سردار بد بخار فدا بر گشت و بعد از این فسخ در بارهای بعضی
اغل شد تا م ناست پاجان تا او را تحسین کردند و یکی آوازه خوانان گفت
زادی یونان را این شخص سبب شده است

یزدفد نابلیس پادشاه اسپارت شد و فیلمین به بکرت رفت در مرصبت
رو میان مقدونیه را تصاحب کرده بود و فیلمین دانست که یونانیان قدرت

جنگ کردن با روم را ندارند آنوقت خواسته بسیار تیار با آتشین با متحدان
آنها قبول نموده از روم کمک طلبیدند فلپین متغیر شده قشونی با سپارت برد
حصار و همیشه اشجار را خراب کرده و ... نفر از آنها را فروخت بهر
نفر اسپارتی را بقتل رسانید بعد سکنه را که باقی مانده بود بفرستش برود و نگذاشت
دیگر پروی توانین لیکورک را بنایند

فلپین در این زمان ۱۰ سال داشت و در انگس تب شدیدگی او عارض
شد در اینوقت مینی آشورش نموده از اتحاد با آسانی خارج شدند آتشین
بعد از او را سردار کردند و ایند فعه هشتم بود

فلپین سوار بر اسبی شده با چند سوار بت فرسخ راه راهی کرده به مینی رسید
قشون دشمن خیلی زیاد بود این سردار نتوانست مقاومت نماید و فرار کرد ولی
راه بسیار تنگ و صعب لهو بود فلپین از اسب افتاد و پویش شد دشمنان
رسیده او را گرفتند بعد سردار بزرگ را در غاری حبس نمودند تا گاه فلپین صد
پای میر غضب را شنید که در غلشد و بجام شوکران را از نزدیک او برد فلپین او را
گرفته نوشید و گفت ای سواران آتشین نجات یافته میر غضب را بدو بلی
آنها فرار کردند آنوقت فلپین گفت همدیگر خدا یار که همدی برای بدی

آشیں افسوس نیا دی از مرگ او خورد و نفس اور اسوز آئیدہ کسترش را و نظر
 ریحہ بعد از اذفن کرده و تمام مجوسین مہنی را در طرف قبر او بقتل رسانیدند
 (۱۸۴)

فتح یونان بواسطہ رومیان — در تمام شہرهای یونان

اغشیار بار و میان متحد شدند و اگر اہتا با مقدونہ دست گشتند

رومیان جنگ بزرگی با پارس پادشاہ مقدونہ نمودہ و آنجا را منہر کردند

(۱۶۸ — ۱۶۷) تمام ممالکی کہ متحدہ بودند و تہ بود غارت شد و میان روم

و کراتھای اقلی رکشتند و بعضی از آنها را فروختند

رومیان ۱۰۰ نفر از آشیں را کہ پلیب شاعر ہم جزو آنها بود بروم فرستادند

بعد از ہفتہ سال سیلیپی میون سردار رومی دوست پلیب شاعر بود آنها

بوطنشان عجزت داد و مراجعت سیصد نفر از آنها باقی ماند (۱۵۰) در دست

جنگ مقدونہ و کار تار باروم آشیں خواستند با اسپارت متحد شوند لکن اسپارت

عفت شدہ و دشمنان روم و اگر کس ہم از تحت اتحاد آنها بیرون آوردند

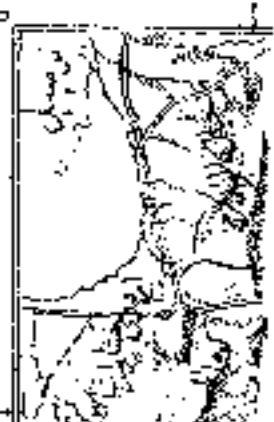
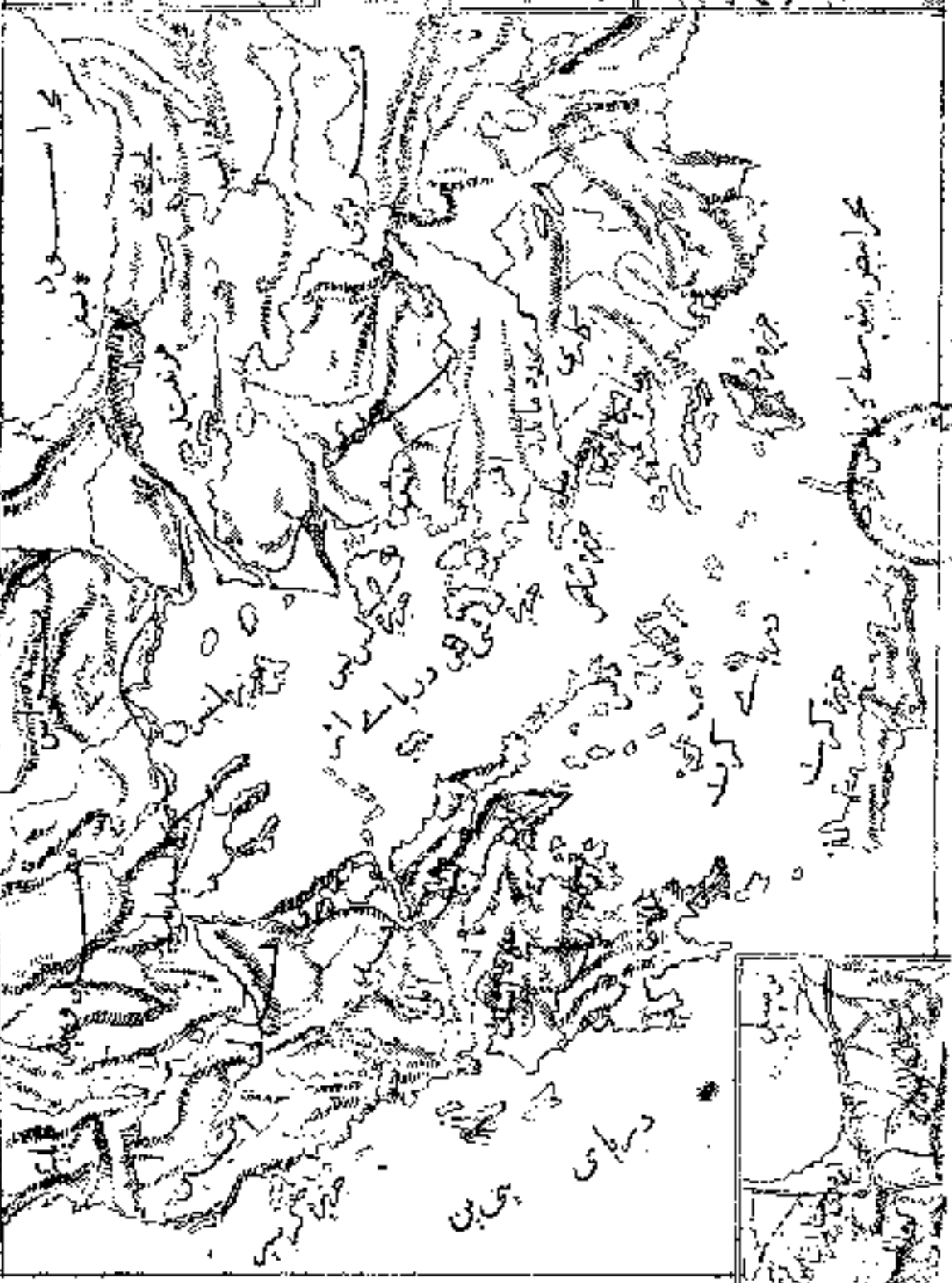
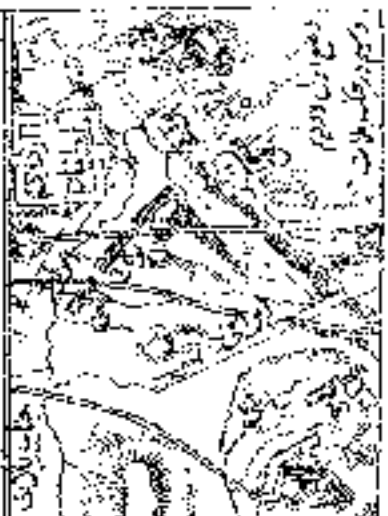
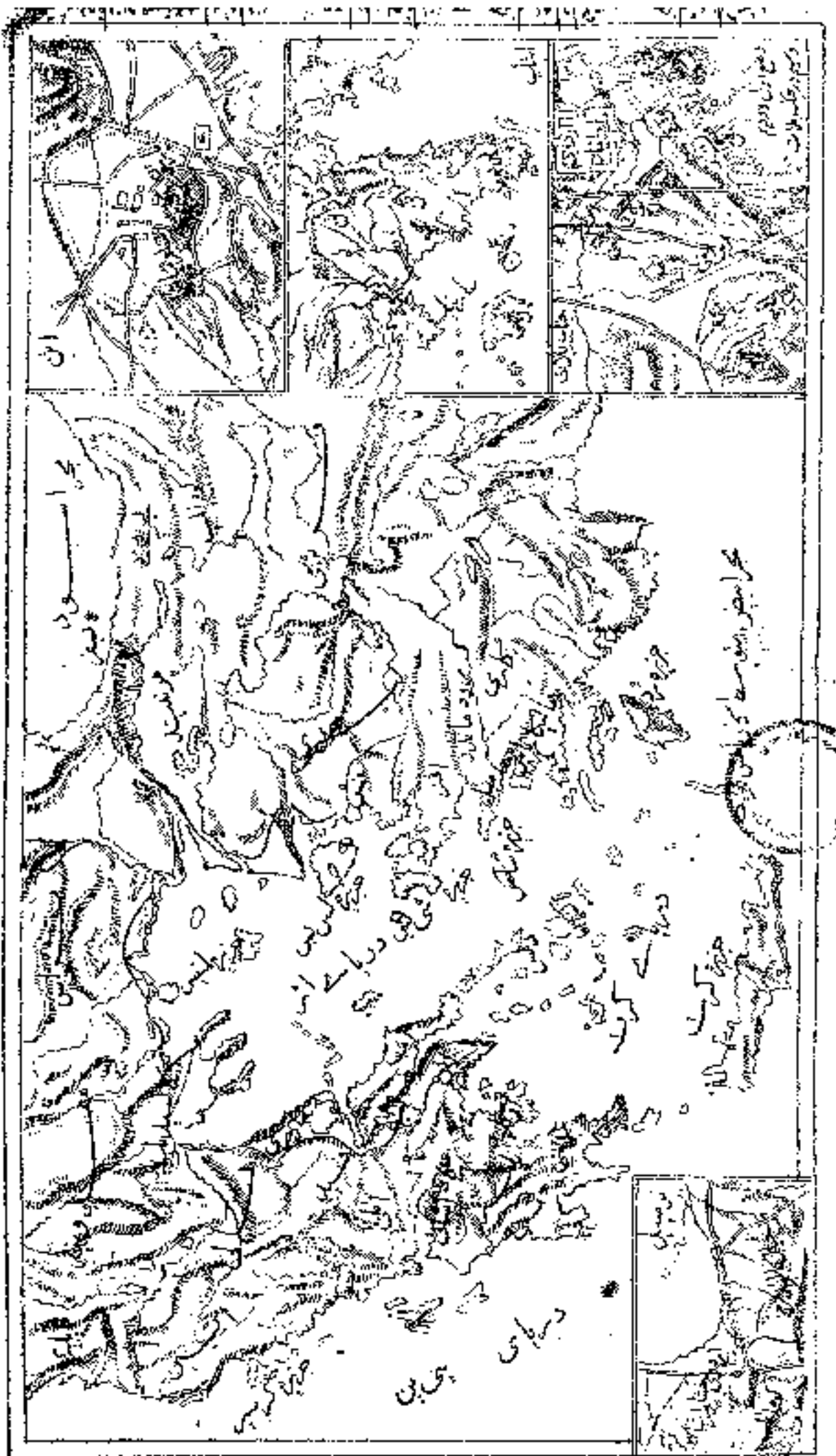
کرنہا اسپارٹیائی را کہ در آنجا بود بقتل رسانیدند قاصدین روم فرار کردند و گفت

دکراتھ حکومت آسانی را نمودند قسطن روم از مقدونہ بر شہر بہت یونان

حرکت کرد و سردار آتشین با موسوم که تیلیا موس در معبر ترپس از آنها جلو گیری نکرد و از آنجا
 رویان از آنجا که شسته در لگزید و سکارف آنها را سخت دواند (۱۳۷) یکی از سرداران
 دیگر آتشین با موسوم به دینوس اهلاک بزرگان را محب کرده (۱۳۸) قنون یسکل را
 و در برج کرت وقت کرد زمان اطفال یونانیان رویان حال سکن کرده تا شام
 جنگ را می نمودند ایند فدر و میان سخت فاحشی به آتشین دادند هیچ شهری تقابست
 نمود و میان کرت را عارت کرده بعد آنجا آتش زده کشتیش را فرو خستند
 (۱۳۹) همچنین او شدت و کاسین عارت شد رویان جاگمی رومی برای یونان

معین کرده و آنجا را به ایالات تقسیم کرده آنها را آسانی نامیدند

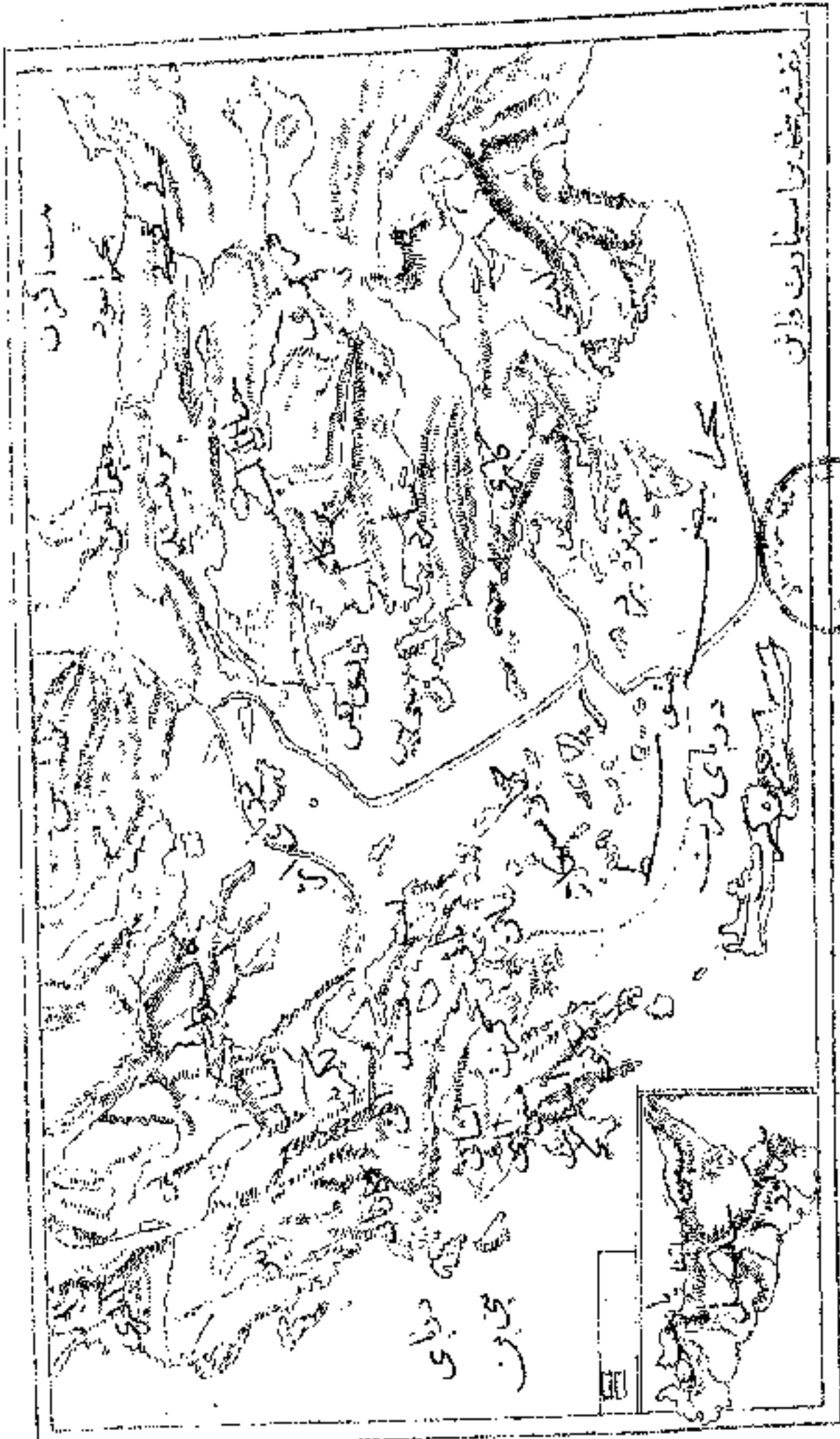
امسار افکار یونانیان در مغرب — رویان بعد از فتح یونان کم کم
 و آداب آنها را آشتی کردند رویان ظروف و مجسمه و پرده های نقاشی یونانی
 که عارت کرده بودند برای نیت خانه های خود برون بردند کتسهای حکا شعرا را
 بد آنجا برده خوانند و بعد از وقتی چند سیر و چند تیر و اسپه بطرز یونانی در روم ساختند
 رویان اطفال خود را یونانی حرف زدند مجبور نموده آنها را برای تحصیل آداب آتن با سینه
 می بردند یکی از شعرا می موسوم هر اس کشه رویان یونان از تصرف نمودند در عوض یونان
 آنجا رویان نیز می نمودند آنها را یونانی نمودند کتابی شرح معانی ۱۳۶۱ که در کتابی





نقشه ایران و همسایگان





تهران

اصفهان

شیراز

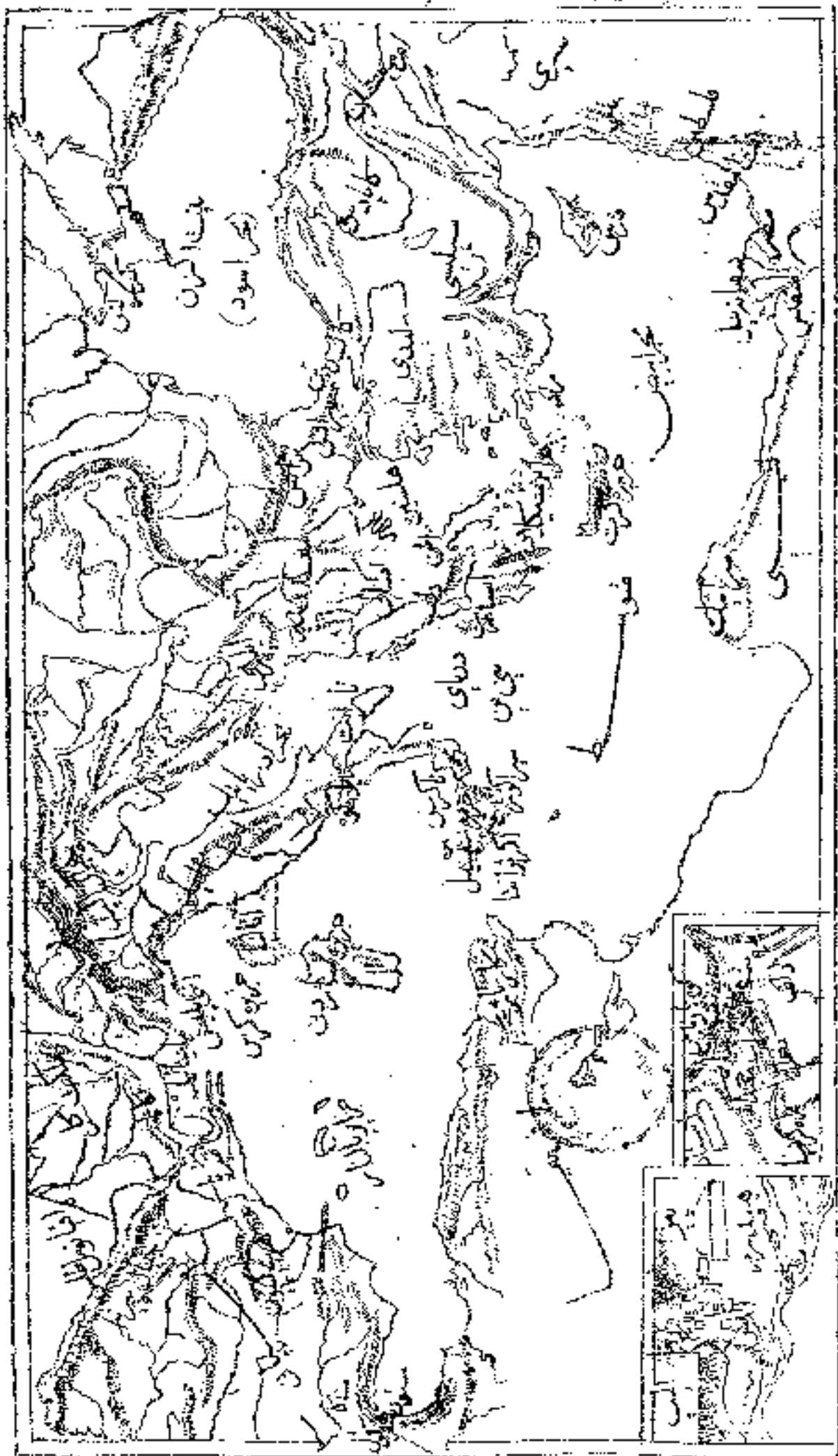
مشهد

تهران

اصفهان

مجموعه استخوان داران





نقشه جغرافیایی و مستعاراتش